

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۲۱ جولای ۲۰۲۲

«بریکس» و «بریکس پلس BRICS PLUS»

چهاردهمین گردهمایی سران کشورهای عضو «بریکس» روز ۵شنبه ۲۳ جون به صورت مجازی، به دعوت و ریاست رئیس جمهور چین تشکیل شد.

در سال ۲۰۰۶ برای اولین بار گروهی با شرکت ۴ کشور برزیل، روسیه، هند و چین تحت نام «بریک» جهت همکاری‌های اقتصادی و تجاری تأسیس شد. پنج سال بعد با پیوستن کشور آفریقای جنوبی به این جمع نام آن به «بریکس» تغییر یافت. در این سال‌ها در واقع کشورهای شرقی و در رأس آنها چین متوجه شدند که سلطه آمریکا و دلارش رو به افول است. به بیان دیگر می‌توان گفت که در سال ۲۰۰۹ دوران گذار از جهان تک قطبی به چند قطبی آغاز شد. حزب کار ایران (توفان) در ارزیابی خویش از سیمای سیاسی جهان در کنگره پنجم خود در سال ۲۰۱۶ بعد از سال‌ها بحث و تبادل نظر در سمینارها به اهمیت «بریکس» توجه کرد و آن را به عنوان گامی که باید مورد حمایت قرار بگیرد در برنامه حزبی خود گنجانید. حزب کار ایران (توفان) همواره از پیوستن ایران به جمع «بریکس» و اتحادیه‌های شانگهای دفاع کرده است.

اهمیت «بریکس»

اهمیت «بریکس» یکم در پرجمعیت بودن کشورهای تشکیل دهنده آن است. تنها دو کشور چین و هند بیش از ۲/۸ میلیارد نفر جمعیت دارند. سایر کشورهای عضو این نهاد جمعاً قریب به نیم میلیارد نفر از ساکنین کره خاکی را در بر می‌گیرند که بازار بسیار بزرگی برای تجارت است.

دوم این که غیر از آفریقای جنوبی ۴ کشور دیگر از نظر مساحت جزو ۷ کشور اول جهان به شمار می‌آیند. نکته سوم این که تولید ناخالص ملی اعضای «بریکس» جمعاً یک چهارم کل تولید ناخالص داخلی کلیه کشورهای جهان است.

۲۰ در صد از سهم تجارت جهانی متعلق به این پنج کشور می‌باشد. هم اکنون مجموع تولید ناخالص داخلی کشورهای «بریکس» بالغ بر ۲۳/۵ تریلیون دالر ملحوظ شده است.

بالاخره چهارم این که از نظر نظامی ۳ ارتش از پنج ارتش بزرگ جهان عضو «بریکس» هستند.

به بیان ساده‌تر کشورهای عضو «بریکس» یک سوم خاک دنیا، ۴۵٪ از جمعیت جهان و نیز قریب به یک چهارم اقتصاد جهان را در اختیار دارند. هم اکنون کشورهای عضو «بریکس» نه تنها در زمره پر اهمیت‌ترین تولید کنندگان

انرژی و مواد خام نایاب هستند، بلکه مهمترین تولید کنندگان کالا نیز به حساب می‌آیند. «بریکس» یعنی بیست و نه درصد مساحت خشکی و سی و هشت درصد تولید ناخالص جهان. «بریکس» یعنی نصف جهان. اکثریت منابع نفت، گاز، طلا، الماس و بخش بزرگی از اورانیوم جهان در منطقه «بریکس» قرار دارند.

هم اکنون کاهش نرخ رشد، افزایش جهش‌وار تورم، افزایش نرخ سوخت، کمبود کالا، کمبود انرژی و اختلال در زنجیره اجناس و... مشکلاتی هستند که به طور عمده گریبان غرب را گرفته‌اند.

در چنین شرایطی «بریکس» از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌گردد. «بریکس» در واقع ابزاری است که بازارهای در حال رشد و نوظهور را به یک دیگر مرتبط ساخته و عرصه سازنده‌ای برای گسترش اقتصاد میان کشورهای جنوب مهیا می‌سازد. «بریکس» بدون تردید پشتوانه سیاسی و اقتصادی مهمی است که امکانات رشد و پیشرفت اقتصادی اعضای آن را گسترش می‌دهد. افزایش مناسبات تجاری میان «بریکس» و سایر کشورهایی که به آن خواهند پیوست، مانند ایران و یا ارجنتاین و شاید در آینده دیگران بدون شک توان این مجموعه را، حتی از اتحادیه اروپا قوی‌تر خواهد کرد.

شعار پر معنا و هدفمند «تقویت مشارکت با کیفیت بالای «بریکس» آغاز دور جدیدی برای توسعه جهانی» که در سر لوحه اجلاس اخیر «بریکس» قرار داشت، گویای کیفیت، توان بالا و امنیتی است که «بریکس» به دنبال آن است. جهانی که پاندمی، تغییرات آب و هوا و بعضاً خشک سالی و قحطی و بالاخره با عواقب جنگ اوکراین روبه روست، رابطه سازنده را جایگزین تحکم، تهدید، تحریم و کلاهبرداری کردن امری است حیاتی. «بریکس» اهداف مهم و ستراتیژیک پیش رو دارد. در نظم جدید جهانی «بریکس» بدون شک بدیلی در مقابل غرب و نهادهای موجود آنها به شمار خواهد آمد.

در دورانی که غرب و در رأس آن امریکا کشورهای جهان- از جمله ایران- را بی پروا تحقیر، تحریم و تهدید نظامی، تا سرحد تجزیه ملت‌ها می‌کند، هر کشوری که امکان پیوستن و یا نزدیکی به «بریکس» را داشته باشد و از آن حذر کند سخت در اشتباه است.

رویکرد کشورهای «بریکس» به سوی کشورهای در حال رشد، کمک به آنها در مقابله با نظام سلطه‌گر، جبار و ضدبشری پولی حاکم (دالر) است. روندی که بدون تردید تأثیر مثبتی بر مناسبات عادلانه اقتصاد جهان و نیز مبارزه با معضلات کنونی به ویژه گرسنگی در سطح جهان خواهد گذارد.

بی‌جهت نیست که «واچیسلاو ولودین» رئیس دوما روسیه، تشکیل سازمانی جدید متشکل از قدرتمندترین کشورهای اقتصادی جهان را به عنوان جایگزین سازمان جی ۷ پیشنهاد کرده است. به نظر او کشورهای چین، روسیه، هند، اندونزی، ایران، مکزیکو، روسیه و ترکیه - که اگر افریقای جنوبی را هم بر آنها بیفزائیم جی ۹ خواهد شد.

غرب و به ویژه جی ۷ که در مقابل جهانیان آبروی برایش نمانده و به سیر نزولی در غلتیده است، برای جبران مافات و نیز برای این که از چین و «بریکس» عقب نیفتد در پایان گردهمایی اخیر خود در قصر «المآ» (Elmau) در ایالت باواریای آلمان ۶۰۰ میلیارد دالر به زیر بنای کشورهای در حال توسعه اختصاص داد!! این «برنامه زیرساختی» که امریکا - این ابر بدهکار و چاپچی دالر بی‌پشتوانه - ۲۰۰ میلیارد دالر آن را متقبل شده است، هدف دیگری جز مقابله با جاده ابریشم چین که بیش از ۱/۴ تریلیون دالر سرمایه در آن به کار رفته و تقریباً به پایان رسیده است ندارد.

کشورهای دنیا دیگر به تحریم‌های امریکائی علیه ایران و روسیه توجه نمی‌کنند. هند گرچه تاکنون متحد امریکا به شمار می‌رود - البته به خاطر مهار چین - در حال حاضر از روسیه هم نفت می‌خرد و هم اسلحه. هند در عین حال هم در «بریکس» فعال است و هم در سازمان شانگهای. ترکیه گرچه عضو ناتوست ولی با همه کشورهای همکاری‌های

اقتصادی دارد و به نظم خاصی نیز پایبند نیست. امروز کشورهای عضو «اگو» (ECO) - سازمان همکاری اقتصادی- (Economic Cooperation Organization) منطقه‌ای است، که ایران و پاکستان و ترکیه، آن را قبل از انقلاب ۱۳۵۷ تحت نام «سازمان همکاری عمران منطقه‌ای» بنیاد نهادند و از بعد از فروپاشی شوروی کشورهای افغانستان، جمهوری آذربایجان، قزاقستان، ترکمنستان، قرقیزستان، ازبکستان و تاجیکستان نیز به آن پیوستند در گذار از نظم بین‌المللی حائز اهمیت شده‌اند.

این کشورها هم اکنون نه تنها تحریم‌های علیه ایران و روسیه را دور می‌زنند، بلکه معاملات تهاثری با سایر کشورها را نیز آغاز کرده‌اند.

واحد پولی «بریکس»

از همان آغاز شکل‌گیری «بریکس» مسأله خارج ساختن مبادلات تجاری میان کشورها - حداقل میان کشورهای بریک و سپس «بریکس» - از یوغ دالر، به دلایل مختلف مطرح بود. دلایل آن نیز یکی دوتا نیست:

یکم این که از سال ۱۹۷۱ دالر عملاً از هیچ گونه پشتوانه‌ای برخوردار نیست و کاغذ پاره است.

دوم این که «فدرال رزرو» که یک اتحادیه مهم‌ترین بانک‌های خصوصی در امریکاست، بی‌وقفه در حال چاپ دالر است، که این امر به دلیل پخش بی‌رویه آن در سراسر گیتی (به خاطر مبادله ارز پذیرفته شده برای مبادلات تجارت جهانی) تورم را در جهان افزایش می‌دهد و تورم امریکا را نیز به جهان منتقل می‌کند.

سوم این که، از آنجا که کشور چاپ‌کننده دالر، خود ابردهکار جهان است و لذا پیوسته با خطر ورشکستگی مواجه می‌باشد، در نتیجه سایه شوم ورشکستگی را به تجارت جهانی به صورت بی‌سابقه‌ای گسترانده است. خطر بی‌ارزش شدن اوراق بهادار دولتی امریکا که در دست مردم، شرکت‌ها و دول است به شدت افزایش یافته است. و بالاخره چهارم و مهم‌ترین نکته این که امپریالیسم امریکا با سوءاستفاده از قدرت کاذب این کاغذ پاره، تحریم‌های ضدبشری خود را به بسیاری از کشورها از جمله روسیه، ایران، کوریا شمالی، ونزوئلا، کوبا، سوریه، افغانستان و... تحمیل کرده و اختلال بی‌سابقه‌ای در روند تجارت جهانی به وجود آورده است. به قسمی که اکنون کشورهای غربی حامی این تحریم‌ها از جمله خود امریکا در زمره متضرران به شمار می‌روند! برای نمونه در اثر تحریم‌های اخیر روسیه، تنها کشورهای اتحادیه اروپا بیش از ۴۰۰ میلیارد دالر زیان دیده‌اند.

بیش از نیم قرن پول بی‌پشتوانه چاپ کردند و آن را از طریق بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول به سایر کشورها وام دادند، به آنها اسلحه فروختند و در ازای کاغذ پاره‌ای به نام دالر، کالا وارد کردند. با وجود آمدن «بریکس» و انجام معاملات با ارزهای دیگر و یا انجام معاملات تهاثری میان، نه تنها کشورهای «بریکس»، بلکه بسیاری از کشورهای دیگر، دالر به تدریج از سلطه و قدرتش کاسته شد و دیگر تنها ارز معادل برای مبادله تجاری جهانی نیست. و اکنون با گسترش، قدرت‌یابی و نفوذ «بریکس»، زمان آن فرارسیده است که «بریکس» با تعیین پول واحد جانشین دالر شود.

با به وجود آمدن «بریکس پلس» و به احتمال بسیار زیاد واحد پول جدید، دوران تک قطبی جهان برای همیشه به زباله‌دان تاریخ سپرده خواهد شد. زمینه‌های رسیدن به این مرحله تاریخی روز به روز بیش‌تر فراهم می‌شود.

در این رابطه پوتین رئیس جمهور روسیه معتقد است که «در سطح جهان بعضی ارزها به دلایل مختلف به خود آسیب‌های فراوان زده‌اند. از همین رو تنظیم کردن پول ملی روسیه با پول آنها (منظور او دالر است- توفان) بی‌معنی است».

از سوی دیگر «بریکس»، مجمع کشورهای است که جملگی در راستای پایان جهان تکقطبی و ایجاد جهان چندقطبی با گام‌های فرسنگی عملاً از هر نظر فعالند.

پوتین در همین رابطه گفت: «غرب نمی‌تواند همه چیز را به انحصار خود در آورد، تغییرات در یک دوره تاریخی معینی الزامی است... هر چند که یک قدرت قوی (منظور امریکاست- توفان) مخالف آن باشد». (تکیه از ماست).

وی ادامه می‌دهد: «جهان ما تا زمانی که دنیا در یک زمین‌بازی، با یک دروازه استوار باشد ناپایدار است». امریکا خود را حاکم جهان می‌داند و این وضع به سرعت در حال دگرگونی است.

پوتین رئیس جمهور روسیه در ۲۴ جون در رابطه با پول جانشین دالر گفت: «کشورهای «بریکس» برزیل، روسیه، هند، چین و افریقای جنوبی در حال حاضر روی راه اندازی یک ارز ذخیره جهانی جدید (تکیه از ماست) کار می‌کنند».

هم اکنون ارزش برابری روبل روسیه به خاطر پشتوانه طلاش و نیز فروش انرژی به روبل از ۲۰۰ دالر به ۵۰ دالر رسیده است. چین نیز با یوان مبادلات تجاری انجام می‌دهد و «بریکس» نیز در نظر دارد که پول جدیدی را جایگزین ارز مبادلاتی کنونی، یعنی دالر سازد.

در این میان کشور ایران که بیش از ۴۰ سال است با سیاست زورگویانه و ضدبشری تحریم‌های امریکا مواجه است و سال‌هاست که در دور زدن تحریم‌ها و انجام مبادلات تجاری با سایر ارزها و یا معاملات تهاتری تجربه دارد و نیز به دلیل موقعیت جغرافیایی و توان اقتصادی و نظامی‌اش و بالاخره به عنوان عضو مهمی از جاده ابریشم مورد توجه «بریکس» و در رأس آن چین قرار گرفته است.

دعوت ایران به «بریکس»

بی‌جهت نیست که رئیس جمهور چین به عنوان دعوت‌کننده به اجلاس امسال «بریکس» که در ۲۳ جون به صورت مجازی برگزار گردید از کشور ایران دعوت به عمل آورد. شی جین پینگ علاوه بر این از کشورهای الجزائر، مصر، اندونزی، قزاقستان، سنگال، کامبوج، اتیوپی، مالزی و تایلند نیز جهت حضور ناظر در این اجلاس دعوت به عمل آورد. مضاف بر این ترکیه، ارجنتاین، بنگله دیش، مکزیکو و سوریه نیز برای شرکت در این جمع اظهار تمایل کرده‌اند. اجلاس مجازی وزرای خارجه «بریکس پلس» (BRICS PLUS) که این اجلاس شامل وزرای خارجه عربستان، امارات، کویت، قزاقستان، تایلند، مصر، ارجنتاین و سنگال می‌شد نیز به عنوان «بریکس به اضافه» یا «بریکس پلس» تشکیل گردید.

جهان روی از غرب می‌تابد و به شرق روی می‌آورد!

نطق حساب‌شده رئیس جمهور ایران در اجلاس «بریکس» که بسیار هدفمند و واضح بود به مذاق اعضای «بریکس» خوش آمد. رئیسی در سخنرانی‌اش از «توانمندی و ظرفیت‌های ذخائر کم نظیر انرژی... شبکه حمل و نقل کوتاه و ارزان... نیروی انسانی آموزش دیده... کشورش» و بالاخره از «موقعیت... جغرافیای سیاسی و اقتصادی کم نظیر» ایران و نیز «خرسندی» خود به خاطر دعوت به این اجلاس یاد کرد. اعضای «بریکس» نیز به این امر واقفند که ایران از نظر جمعیت در رده پنجم، به لحاظ اقتصادی ششم و بالاخره از نظر ذخائر گاز و نفت در ردیف دوم از اعضای «بریکس» قرار دارد.

رئیسی در عین حال به اهمیت «کمر بند و جاده»، تأسیس «بانک توسعه نوین» و بالاخره ابتکار امنیت جهانی اشاره کرد.

این «بانک توسعه نوین» که رئیسی از آن یاد می‌کند، به ویژه برای کشورهای تحت تحریم نظیر ایران و روسیه راه نجات محسوب می‌گردد. در حقیقت این بانک یک «دستگاه اعلام پرداختی» است که عملاً نقش سوئیفت را ایفاء خواهد کرد. امری که نیاز حیاتی کشورهای نظیر ایران و روسیه و نیز سایر کشورهای تحت تحریم امریکا به شمار می‌آید. حتی پوتین در اجلاس «بریکس» اعلام آمادگی کرد که «دستگاه ارتباط بانکی روسیه آماده اتصال به بانک‌های کشورهای «بریکس» است».

هدف عمده «بریکس» بدون تردید عدم انجام مبادلات تجاری با دالر بدون پشتوانه و زدودن نقش آن است. پوتین حتی اعلام کرد که تشکیل صندوق ذخیره ارزی بین‌المللی بر پایه ارز کشورهای عضو در جریان است.

اکنون کلیه کشورهای که به هر دلیل مخالف سلطه غرب، چه از نظر اقتصادی (دالر)، چه از نظر سیاسی و چه از نظر نظامی هستند، چشم امیدشان به «بریکس پلس» به عنوان راه حلی پویا و سازنده در عرصه گیتی است. در این میان اما نقش مخرب و ریاکارانه اصلاح‌طلبان غرب‌گرا در ایران سؤال‌برانگیز است. آنها با استدلال بی‌پایه نظیر: «عدم دعوت از ایران در سطح وزیر اجلاس «بریکس»»، نوشتند: «چین ایران را از اجلاس «بریکس» حذف کرد!» و از این طریق به عبث به سیاست چین‌ستیزی خود و دشمنی با ایران دامن زدند. و امروز با دعوت شخص رئیس جمهور چین از ابراهیم رئیسی همه دروغ‌های آنها برملا شد. حتی اتاق بازرگانی که تخم مرغ‌های خود را به غلط در سبد غرب گذارده ادعا کرد که: «ایران علی‌رغم ادعای همکاری ستراتیژی با چین به این اجلاس دعوت نشد». و این امر را «نشان‌دهنده ترجیح عربستان و امارات بر ایران خواند»!!

این جریان‌ات غرب‌گرا و واپس‌مانده اما هر دو پای خود را در یک کفش کرده و کلیه فعالیت‌های سیاسی، دیپلماسی و اقتصادی کشور را مشروط به توافق برجام می‌کنند. غافل از این که مسائلی نظیر عضویت ایران در سازمان شانگهای، افزایش تجارت و همکاری با کشورهای آسیای میانه، افزایش فروش نفت، به خصوص به چین و اکنون احتمالاً عضویت در «بریکس» درچه‌های نجات اقتصاد تحریم‌زده ایران را خواهند گشود. اما این غرب‌گرایان واپس‌مانده هنوز چشم امیدشان به احیای برجام و نزدیکی به غرب است. غرب‌زدگی و خودتحمیلی تا مغز استخوان آنها رسوخ دارد.

وقتی ایران ۵۴ درصد از بندر «سالیانکا» (در «آستراخان» روسیه) به عنوان قطب ستراتیژیک تجارت بحری بین ایران و روسیه را خریده و به این ترتیب طی ماه جاری کریدور شمال و جنوب راه‌اندازی شده، وقتی محموله‌ها از سن پترزبورگ، آذربایجان، انزلی و بندرعباس به هند، کمتر از یک ماه به مقصد می‌رسند، وقتی روسیه و هند جزو «بریکس» هستند چرا نباید ایران عضو «بریکس» باشد؟!

امروز حتی دروازه کشور نیکاراگوئه به روی «بریکس» باز شده است، ونزوئلا، پرو، نیکاراگوئه، ارجنتاین بدون شک خود را به «بریکس» نزدیکتر می‌بینند تا به غرب.

بسیاری از اصول‌گرایان ایران به خاطر تحریم‌های ۴۰ ساله رو به تزاید امریکا علیه ایران مدت‌ها است که نگاهشان به شرق است. از سوی دیگر فراموش نکنیم که لنگ برجام هم هنوز در هواست و به نتیجه نرسیده است. گرچه که امروز حتی اسرائیل هم حاضر است با آن توافق کند، اما حتی اگر جو بایدن با ایران بر سر برجام به توافق هم برسد، جمهوری‌خواهان ترامپیست از هم اکنون اعلام کرده‌اند که اگر آنها به قدرت برسند مجدداً توافق‌نامه برجام را ملغی خواهند ساخت. به یک کلام راه نجات ایران نزدیکی به شرق است.

در یک ماه گذشته رؤسای جمهوری تاجیکستان، ترکمنستان و قزاقستان با ایران توافقنامه‌های متعدد و مهمی امضاء کرده‌اند. به ویژه در زمینه حمل و نقل. بدون تردید این توافقات همسو با جاده ابریشم چین و توافقات ۲۵ ساله این کشور با ایران و نیز در راستای «بریکس» قرار دارند.

«بریکس پلس» در واقع آغاز حرکت جهان به سوی نظام چندقطبی و نقطه اختتام نهادن بر نظام تکقطبی است. اعضای جدید «بریکس» نیز می‌باید در این راستا حرکت کرده و خود را متعهد به برنامه‌های آن بدانند. اعضای «بریکس» می‌باید در برقراری مناسبات اقتصادی خود با هر کشوری به حاکمیت، تمامیت ارضی و حقوق برابر باور داشته و به آن عمل کنند. تنها چنین تکاملی قادر خواهد بود که بر مناسبت پیچیده حاکم و محکوم، تحریم‌کننده و تحریم‌شونده، زورگویی با سوءاستفاده از ارزش‌های بی‌پشتوانه و نیروی نظامی مقتدر و گسترده کنونی که سال‌هاست باعث برقراری مناسبات نامتعادلی در میان کشورهای جهان گشته است نقطه اختتام گذارد.

به امید آن که اعضای «بریکس پلس» در مناسبات خود جوی دوستانه ایجاد کرده و امکانات پیشرفت را برای همه اعضای خود و در نهایت کلیه کشورهای در حال توسعه به وجود آورند. محور نقش دالر، امنیت بهداشت، غذا، سوخت و بالاخره ایجاد روابط منصفانه و عادلانه میان کشورها تنها از کانال تکامل «بریکس» می‌گذرد.

در این میان نظام حاکم بر ایران اگر نتواند بر عناصر و مراکز فساد، رانت، غارت و چپاول غلبه کرده و دست آنها را از ثروت و منابع ملی کوتاه کند، اگر نتواند بر بیکاری، گرانی و فقر ناشی از آنها (که البته تحریم‌ها نیز در به وجود آمدن چنین وضعی موثرند) چیره گردد و بالاخره اگر نتواند به آزادی‌های دموکراتیک پایبند گردد و... عضویت در «بریکس» هم در دراز مدت مشکلات عدیده مردم را حل نخواهد کرد و فقط رانت‌خواران و دزدان تاکنونی فریبتر خواهند شد. «بریکس» بخت بزرگی برای آینده ایران است اگر بتوانیم و بشود از این بخت عادلانه و در خدمت منافع ملی و بهبود شرایط زندگی زحمتکش‌ان و تمامی مردم ایران بهره جست.

نقل از توفان ارگان مرکزی حزب کار ایران شماره ۲۶۹ مرداد ماه [اسد] ۱۴۰۱

www.toufan.org